

جایگاه و چشم انداز تاریخی حقوق زنان در ایران اسلامی با تکیه بر سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد

حسن خداوردی

دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

Hasankhodaverdi@yahoo.com

دکتر رحمان ولی زاده (نویسنده مسئول)

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

Valizadeh.rahman@gmail.com

دکتر محمد علی خیرالهی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

M0911125032@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده

جایگاه حقوق زنان در تاریخ همواره به نوع مناسبات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و به مقتضیات زمان آن عصر بستگی داشته است. بررسی های تاریخی نشان دهنده تسلط پایدار مردسالاری بدر جوامع بوده است. مصادیق این موضوع در ایران باستان، اعراب عصر جاهلی و اروپای قرون وسطا بسیار مشهود است. البته این مصادیق قطعا نشان دهنده همه واقعیت در مورد وضعیت زنان نبوده و در پاره ای منابع، استثنائاتی نیز به چشم می خورد اما این موارد استثنائی را نیز نمی توان نشان دهنده رعایت کامل حقوق زنان در آن اعصار به شمار آورد. با توجه به تضعیف حقوق زنان در تاریخ این موضوع همواره مورد توجه نهادهای سازمانهای بین المللی بوده که از آخرین اسناد در این زمینه سند مشهور ۲۰۳۰ می باشد که ضمن اهدافی کشورهای عضو را به سمت رعایت همه جانبه حقوق زنان برای رسیدن به توسعه پایدار رهنمون می سازد. در این پژوهش یافته ها بیانگر آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ در پی تغییرات اساسی در جامعه، تعریف زن و جایگاه او در اجتماع، متحول گردید و حضور زنان در جامعه بر پایه ضوابط اسلامی تعریف شد و تمایز نگذاشتن میان زنان و مردان برای حضور در جامعه سبب شد زنان ایرانی به صورت گسترده به فعالیت های اجتماعی رو آورند. دستیابی زنان به آموزش، افزایش سریع نسبت زنان باسواد کشور، حضور موفق آنان در عرصه های گوناگون و نهایتا اشتغال برابر، تحولی کیفی در حقوق اجتماعی زنان صورت گرفت و بدینسان زنان جامعه جایگاه واقعی خویش را باز یافتند و جامعه ی اسلامی بی نیاز از پذیرش اسنادی که بدون توجه به دین، فرهنگ و آداب و رسوم نگارش یافته اند، شد. در این پژوهش که توصیفی-تحلیلی ست باروش کتابخانه ای به بررسی جایگاه و چشم انداز تاریخی حقوق زنان با توجه به سند مشهور ۲۰۳۰ در کشور ایران پرداخته شده است.

کلید واژه: سند ۲۰۳۰، حقوق زنان، انقلاب اسلامی.

The Position and Historical Perspective of Women's Rights in Islamic Iran Based on the UN 2030 Agenda

Hassan Khodaverdi

PhD Student of Islamic Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Babol Branch. Hasankhodaverdi@yahoo.com.

Dr. Rahman Valizadeh

Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran (Corresponding Author). Valizadeh.rahman@gmail.com

Dr. Mohammad Ali Kheirollahi.

Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. M09111125032@gmail.com.

Abstract

Historically, women's rights have been shaped by their times' social, cultural, and political contexts. A consistent pattern of male dominance is particularly evident in ancient Iran and medieval Arab societies. While some exceptions exist, they do not fully capture the reality of women's rights during these periods. The erosion of women's rights has long been a concern for international bodies, as highlighted by Document 2030, which seeks sustainable development through universal women's rights. Significant changes followed Iran's Islamic Revolution, altering women's roles and status. Islamic laws redefined women's societal presence, promoting extensive social participation without gender distinctions. Higher education access became crucial for women's success in various fields. Increased literacy and higher education led to a qualitative shift in women's social rights. Consequently, Iranian women reclaimed their rightful place, and documents overlooking religious and cultural values were deemed unnecessary. This descriptive-analytical study explores the historical position and perspective of women's rights in Iran, based on the 2030 national document.

Keywords: 2030 Agenda, Women's Rights, Islamic Revolution.

مقدمه

مسئله ی زنان یکی از مباحث بسیار مهم و حائز اهمیت برای اندیشمندان در حوزه مسائل و مباحث تاریخی، سیاسی و اجتماعی می باشد. مبرهن است که برای رسیدن به فهم درست جایگاه واقعی زنان در جهان ما نیازمند بررسی تاریخی حق و حقوق زنان خواهیم بود. با توجه به عملکرد نه چندان مناسب حکومتها و حاکمان در برخورد با زنان در طول تاریخ، همواره گروه ها و سازمان های مختلفی از جمله سازمان ملل متحد جهت احقاق حقوق حقه این طیف تشکیل و با تدوین دستورالعمل ها و بیانیه ها به روشنگری پیرامون حقوق زنان در اجتماع می پرداختند. چراکه با توفیق بر تاریخ شاهد صحنه های دلخراشی از تعدی و تجاوز به حقوق زنان خواهیم بود. از آخرین دست آوردهای این سازمان سندیا دستورکار ۲۰۳۰ با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» منتشر گردید. (پیروز نیک، ۱۳۹۶، ص ۲) کلیه آژانس های تخصصی بین المللی مانند یونسکو متعهد شدند که راهبرد میان مدت و بلندمدت خود را بر این اساس تنظیم کنند. ایجاد برابری جنسیتی و توانمند سازی همه زنان و دختران و اشتغال برابر از ارکان مهم اهداف چهارم، پنجم و هشتم از سند ۲۰۳۰ است. تمرکز پژوهش حاضر بر جایگاه و چشم انداز تاریخی حقوق زنان در ایران اسلامی است که البته با توجه به اهداف مورد نظر سازمان ملل متحد در سند ۲۰۳۰ برای احقاق حقوق زنان در میان کشورها مورد بررسی قرار می گیرد. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به ظهور و بروز انقلاب اسلامی در سال ۵۷ ضمن بررسی جایگاه حقوق زنان، چشم انداز تاریخی حقوق زنان در ایران چگونه است؟ و با توجه به تحولات بنیادین پس از انقلاب اسلامی آیا ما نیازمند اجرای سند ۲۰۳۰ در جامعه ایران اسلامی خواهیم بود؟ فرضیه محتمل این است که با بررسی های تاریخی می توان تفاوت های فاحشی میان جایگاه و چشم انداز حقوق زنان در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران یافت و انقلاب اسلامی باعث شکوفایی استعداد های زنان در موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده است و در این مسیر هیچ نیازی به دستورالعمل های سازمان های بین المللی نداشته و نخواهد داشت البته تا قبل از این پژوهش تحقیقاتی پیرامون حقوق زنان صورت گرفته از جمله مقاله " تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین سال های (۱۳۵۷-۱۳۸۴) " که توسط خانم لیلا حاجی قهرمانی و همکاران در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسید که نویسندگان آن با مروری بر تاریخ قبل و بعد از انقلاب اسلامی به بررسی حقوق زنان پرداختند. (حاجی قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۵ تا ص ۴۲) این

پژوهش به نوعی نزدیکترین موضوع به پژوهش حاضر است که نگارش یافته اما برتری پژوهش حاضر مورد توجه قرار دادن اسناد و دستورالعمل های بین المللی در این موضوع می باشد که در مقاله نویسندگان آن مغفول مانده و مورد بحث ایشان نبوده است. همچنین مقاله "حقوق زنان در اسلام: تحصیلی، مالی و برابری جنسیتی" که توسط آقای ابوالفضل شکیبافر در ایران ارائه و به چاپ رسید که در آن نویسنده به بررسی حقوق زنان در تحصیل، اشتغال و برابری جنسیتی پرداخت. (شکیبافر، ۱۴۰۲، ص ۱۴ تا ص ۲۲) این پژوهش نیز نگاه تاریخی به انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن نداشته و طبیعتاً سند ۲۰۳۰ نیز مورد بحث نویسنده نبوده و از این حیث پژوهش ما گسترده تر و از نوآوری ویژه ای برخوردار است و در مقاله "چشم انداز حقوق زنان از نگاه سازمان ملل متحد" که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است، دکتر حسن موثقی بدون بررسی تاریخی به حقوق زنان در ایران به بررسی موضوع از نگاه سازمان ملل متحد توجه داشته است که ضمن تفاوت های فاحش با موضوع مقاله ما به روشنی می توان دریافت که پژوهش حاضر با توجه به بررسی جایگاه و چشم انداز تاریخی حقوق زنان در ایران و نگاه ویژه به اسناد سازمان ملل در این مورد از گستردگی و نوآوری خوبی برخوردار است. (موثقی، ۱۳۹۲، شماره ۲۲، از ص ۱۳۵ تا ص ۱۴۶). و آقای محمدجواد جاوید و همکاران با چاپ مقاله "تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در حقوق اداری و سیاسی ایران باتوجه به قانون اساسی" در نشریه حقوق و مطالعات سیاسی از حقوق مختلف و متفاوت زنان تنها به موضوع "تبعیض جنسیتی در حقوق اداری و سیاسی جامعه ی ایران بدون توجه به جایگاه و چشم انداز آن در انقلاب اسلامی و بدون هیچ نظری در مورد سند ۲۰۳۰ پرداخته است (جاوید و همکاران، ۱۴۰۲، شماره ۴ از ص ۲۶۷ تا ص ۲۷۵) از این حیث نیز پژوهش ما با بررسی جایگاه و چشم انداز حقوق زنان در ایران با رویکرد و نگاه به سند ۲۰۳۰ از نوآوری و گستردگی خوبی برخوردار است.

۱- حقوق زنان در تاریخ اسلام و قوانین موضوعه

از منظر دین مبین اسلام، همانگونه که شوهران بر زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آن را انجام دهند، متقابلاً زنان نیز بر شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است به آن عمل کنند: "وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ" (بقره، ۲۲۸) این چنین نیست که حقی بر زن باشد که بر مرد نباشد. منظور از این مماثله، اصل حق است؛ یعنی تماثل در حقوق است نه تساوی در حقوق.

به مردان که مسئول خانواده هستند، دستور می دهد که با زنان به نیکی رفتار کنند: "عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ". از جمله حقوق زن بر شوهر، با توجه به آیات قرآن کریم عبارتند از:

۱-۱- رفتار شایسته

در مواضعی مختلف از قرآن کریم خداوند به مردان دستور می دهد که با زنان به نیکی رفتار کنند و حقوق ایشان را ضایع نکنند. البته چنین تصریحی به این دلیل است که مردان به جهت توان جسمانی و موقعیتی که برای خود در جوامع مختلف برای انواع سوء استفاده ها آفریده اند، معمولاً آمادگی بیشتری برای تضییع حقوق زنان دارند؛ به همین جهت به ایشان امر می شود تا به نیکی با زنان رفتار کنند. خداوند می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُبُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا". (نساء، ۱۹) همان گونه که باید با مرد به معروف رفتار کرد، باید با زن هم به معروف رفتار کرد و هیچ فرقی بین زنان و مردان نیست. از دیدگاه قرآن کریم اساسی ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر معاشرت به معروف است؛ «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و با ایشان (زنان) به شایستگی رفتار کنید (روم، ۲۱). لازم به ذکر است که حقوق و قوانین موضوعه نیز نسبت به سوء رفتار در زندگی زناشویی حساسیت به خرج داده تا آنجا که می تواند منجر به طلاق و جدایی گردد برابر قانون چنان چه مردی در زندگی سوء رفتار داشت، زن برابر ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی می تواند با مراجعه به دادگاه از شوهرش طلاق بگیرد. (امامی، ۱۳۹۷ ص ۶۳۰)

۱-۲- مسکن

خداوند می فرماید: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَرِّضْ لَهُ أُخْرَى" (طلاق، ۶). در تفسیر این آیه آمده است: زنان را در همان خانه هایی که به اندازه وسع خود تهیه کرده اید، مسکن دهید. حق ندارید ضرری متوجه آنها کنید، تا سکونت در آنجا برایشان دشوار شود و نباید از نظر مسکن، پوشاک آنها را در مضیقه قرار دهید. (قرائتی، ۱۳۸۳: ص ۱۰ و ۱۱) از مسایلی که آیین اسلام در خصوص مسکن بر آن تأکید دارد فراخی و وسعت خانه است. رسول اکرم (ص) فرموده اند: سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است. همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار (پاینده، ۱۳۲۴: ص ۲۶۱ و ۲۶۰) امیر

مؤمنان (ع) نیز بشارت داده‌اند: برای خانه شرافت و برکتی است، شرافت آن در وسیع بودن جلو حیات و منزل و صالح بودن خانواده است اما برکت آن در برتری نشیمن گاه، وسعت، صحن و حیات و نیکو بودن همسایه‌هایش نهفته است (صدوق، ۱۴۴۱: ج ۱ ص ۱۷۹) امام صادق (ع) می‌فرماید: وسیع بودن منزل از سعادت مرد است و راحتی مؤمن در فراخی خانه‌اش می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۶ ص ۱۴۸) و (صدوق، ۱۴۴۱: ج ۱ ص ۱۲۲) (پاک نژاد، ۱۳۹۳: ج ۲ ص ۱۸۲).

۱-۳-نفقه

(نفقه) اسم مصدر (انفاق) و به معنای آن چیزی است که انفاق می‌شود و انفاق مال، به معنای بذل و صرف آن است. از آن جا که زن، در ازدواج دائم مسئولیت‌هایی را در طول زندگی مشترک خود به عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی را از او می‌گیرد، نفقه، حق و امتیاز او قرار داده شده است. مرحوم علامه طباطبایی، در ذیل آیه (وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ...) در ضمن توضیح این مطلب که مرد و زن نباید آرزوی مزایا و امتیازاتی را بکشند که خداوند برای هریک از آنان قرار داده، برخورداری از حق نفقه را یکی از موارد امتیاز زنان نسبت به مردان می‌شمارد. (طباطبایی، ۱۳۵۷: ج ۴ ص ۱۶۳) روایات بسیاری نیز از معصومان (ع) درباره وجوب نفقه زن وارد شده است که برای نمونه، یک روایت ذکر می‌شود. شیخ صدوق (ره) در خصال با سند خود از حریر نقل می‌کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: "مَنْ أَلْذَى أَجْبَرُ عَلَيْهِ وَتَلَزُمُنِي نَفَقَتُهُ؟" آن کسی که مجبور بدان می‌شوم و نفقه او بر من لازم می‌شود، کیست؛ حضرت فرمود: "الوالدان والولد والزوجة" والدین (پدر و مادر)، فرزند و همسر. (صدوق، ۱۴۴۱: ج ۱۰۱ ص ۷۵ و ۷۶). در میان فقهای شیعه نیز وجوب نفقه زن، امری اجماعی و متفق علیه به شمار می‌رود بلکه این امر به گفته مؤلف جواهرالکلام در بین امت اسلامی اجماعی است. (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱ ص ۳۰ و ۳۱).

۱-۳-۱-نفقه در حقوق

لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت پرداخت نفقه به عنوان یکی از حقوق حقه ی زن در زندگی خانوادگی قانون مدنی نیز به این مهم پرداخته و تصریح می‌نماید که: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف متناسب با وضعیت زن باشد. همچنین استخدام یک

خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه ی مرض یا نقصان اعضاء. این حق به محض عقد محقق می شود. تا جاییکه اگر مرد از دادن نفقه خودداری کرد یا توانایی پرداخت نفقه را نداشت برابر ماده ی ۱۱۲۹، زن از طرف شوهر وکیل است که با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق کند. طبق این ماده دادگاه پس از اثبات عدم پرداخت نفقه، حکم طلاق را صادر خواهد کرد. (امامی، ۱۳۹۷ ص ۶۹۰) و نیز موکدا تصریح شده که اگر مردی مرتکب عدم پرداخت نفقه حال همسرش شود، طبق ماده ی ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می شود. (گروه مولفین، ۱۳۹۳ ص ۲۶۹)

۱-۴- مهریه

از مسائل مهم مرتبط با حقوق زن، مهریه است. "مهر" به فتح میم در لغت، کابین یا دست پیمان گویند و آن مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می گردد. (صفایی، ۱۳۷۸: ج ۲ ص ۱۴۸). یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مالی را به عنوان مهر قائل می شده است و چیزی از مال خود به زن یا پدرزن خویش می پرداخته است (خزائلی، ۱۳۶۱: ج ۱ ص ۴۷) در بیشتر اقوام معمول بوده که شوهر آینده قبل از ازدواج به ولی زن یا به خود زوجه ی آینده هدیه هایی می داده است. چنانکه از فرهنگ موضوعی قرآن کریم بر می آید کلمه مهر عینا در قرآن مجید به کار نرفته است. (ر.ش: فرهنگ موضوعی قرآن مجید. تالیف کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی) بلکه در قرآن از مهر به عنوان «صدقات» در آیه ی چهارم از سوره نساء یاد شده و در آیات مختلف تحت عنوان «اجور» آمده است و اطلاق اجور بیشتر در مورد متعه و ازدواج با کنیزان است. (خزائلی، ۱۳۶۱: ج ۱ ص ۴۷) اما کلمه ی دیگری نیز که به جای مهر به کار می رود «صداق» ، به فتح اول یا کسر اول است که آن را نیز این گونه تعریف کرده اند که: «مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن می دهد.» و آیه ی چهارم سوره ی مبارکه نساء به آن اشاره دارد: «آتوا النساء صدقاتهن نحله» صدقه، به ضم دال، از ماده صدق است و بر آن جهت به مهر صداق گفته یا صدقه گفته می شود که نشانه ی راستین بودن علاقه ی مرد است، بعضی از مفسرین مانند صاحب کشاف به این نکته تصریح کرده اند (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷) مهر علاوه بر صداق و اجرت، فریضه (بقره، ۲۳۷) نامیده می شود. اما کلمه نحله در سوره ی مبارکه ی نساء آیه ی ۴ (و آتوا النساء صدقاتهن نحله) کاملا تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و عطیه و هدیه ندارد. (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷). و نیز نپرداختن مهریه نیز که ملک خاص

زن است در قرآن مجید به نام ظلم و گناه آشکار خوانده شده است. خداوند متعال در آیه ی کریمه تاکیدا هشدار داده است که مهریه ملک و مال زن است و نپرداختن مهریه یا باز پس گرفتن آن ظلم و گناه آشکار است. در کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" در مورد فلسفه مهر آمده است: به عقیده ما پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها بیکدیگر بکار رفته است... (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۲۳۱)

۱-۴-۱- مهریه در حقوق :

مهریه نوعی حق شخصی است. طبق ماده ی ۱۰۸۲ به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید و در رأس بدهی های مرد قرار می گیرد. مهریه پس از مرگ زن به وراث او می رسد. اگر مردی مهریه ی همسر خود را پرداخت نکند، دادگاه پس از مراجعه ی زن برای طلاق، او را محکوم به پرداخت مهریه می کند. همچنین باید توجه نمود که فوت زوج در مهریه تأثیرگذار نیست و مهریه از ماترک شوهر (آن چه به جا گذاشته) برداشته می شود. چنان چه زن هم بمیرد، مهریه ساقط نمی شود. مهریه ارث است و به وراث وی خواهد رسید. هنگام فسخ نکاح، در صورتی که دختر وظایف زناشویی را انجام داده باشد، مهریه به او تعلق می گیرد، در غیر این صورت نصف مهریه به او می رسد. همچنین طبق ماده ی ۱۰۹۵ در نکاح منقطع، عدم مهر در عقد، موجب بطلان است.

۱-۵-۱- ارث :

از لحاظ اقتصادی نیز طبق آموزه های اسلامی، زنان همانند مردان استقلال اقتصادی داشته و مالک دست رنج خود بوده و در امور اقتصادی همچون ارث بردن از دیگران، مشترک هستند. دین مبین اسلام در قالب آموزه های قرآنی و فقهی که منبعث از آیات کریمه ی قرآن است در چهار چوب شریعت، حقوق مختلفی را از جمله حق ارث معین کرده است. " لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا " (نساء، ۷). آیه نمی فرماید مسلمان یا مؤمن هر چه کسب کرد، برای او است، بلکه اسم زن و مرد را جداگانه بیان می دارد، تا به صورت روشن و قاطع، آن سنت جاهلی را ابطال کند. این آیه برای زن در مقابل مرد، ارث قائل است، نه زن در مقابل شوهر؛ چون سخن از ازواج در این آیه نیامده است. بنابراین اسلام براساس کرامت انسانی ارث را تقسیم می کند، اما در جاهلیت، بر کرامت و ارزش های انسانی

تکیه نمی شد، بلکه ارزش های نظامی، اقتصادی و ... مورد تأکید بود. در مورد ارث زن و مرد، روایتی از امام صادق(ع) است که می گوید: از امام سؤال شد: " چرا زن بی نوا و ناتوان یک سهم ارث و مرد دو سهم می برد؟ حضرت فرمود: بر زن جهاد، نفقه، دیه و عاقله واجب نیست، بلکه این امور به عهده مردان است. به این خاطر، مردان دو سهم و زنان یک سهم دارند." (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۲ ص ۵۷۰). مسئله محرومیت زن از ارث یک امر پذیرفته شده در جاهلیت بود و حتی در جوامع به اصطلاح متمدن کنونی نیز رواج دارد، در دنیای قبل از اسلام، موضوع تبعیض در ارث و محروم کردن زنان، اختصاص به روم و یونان نداشت؛ بلکه در شرق دنیای آن روز؛ یعنی هند و چین و ژاپن، همچنین مصر که ریشه در تمدن کهن داشت، این محرومیت حکمفرما بود؛ به گونه ای که در مصر قدیم، ترکه متوفی به پسر بزرگتر منتقل می شد و برادران و خواهران دیگر، می بایست زندگی مشترکی را به ریاست برادر ارشد داشته باشند. به هر حال، زنان از ارث بردن محروم بودند. (خطیب، ۱۹۶۶: ص ۴). پس می توان گفت آئین تقسیم ارث در اسلام، عادلانه ترین آئینی است که بشریت از آن آگاه شده است.

۱-۵-۱- ارث در حقوق

همانطور که در فقه و حقوق تصریح شده است اگر زنی فوت کند و اولادی نداشته باشد به همسرش یک دوم ارث می رسد و اگر اولاد داشته باشد یک چهارم ارث می رسد. اگر مردی فوت کند و اولاد نداشته باشد به زن یک چهارم ارث میرسد و اگر اولاد داشته باشد زن یک هشتم ارث می برد. اگر مردی فوت کند و چند تا زن داشته باشد یک هشتم به همه ی آن ها به طور مساوی ارث خواهد رسید و اگر اولاد نداشته باشد به آن ها یک چهارم ارث تعلق می گیرد. (مختاری پور، ۱۳۹۱: ۲۴۴ ص ۹). در ادامه می توان به برخی دیگر از حقوق زن در قانون مدنی اشاره نمود: -حق زن در تعریف دارایی خود: طبق ماده ی ۱۱۱۸ زن دارای استقلال اقتصادی است و می تواند به هر شکلی، دارایی خود را تصرف کند و این دارایی با اخذ نفقه منافاتی ندارد. (امامی، ۱۳۹۷: ص ۶۸۶) -حق زن در استفاده و اعمال شروط ضمن عقد: برابر ماده ی ۱۱۱۹ قانون مدنی، زن به هنگام عقد می تواند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد بر مرد اعمال کند. (امامی، ۱۳۹۷: ص ۶۸۶) این شروط به استثنای شروطی هستند که در قباله ی ازدواج آمده است و عاقد یکایک آن ها را برای طرفین می خواند و در صورت موافقت، آنها را امضای کنند و متعهد می شوند. (امامی، ۱۳۹۷: ص ۶۸۶) مانند شروطی که در عقدنامه آمده و حق طلاق را به زن می دهد عبارتند از: -سوء

رفتار برابر ماده ی ۱۱۲۹ قانون مدنی. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۶۸۶) - ابتلا به امراض صعب العلاج. - حق فسخ نکاح در صورت جنون مرد طبق ماده ۱۱۲۱. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۶۸۶) - عدم رعایت دستور دادگاه مبنی بر کنار گذاشتن شغل منافی با شئون خانوادگی. - محکومیت شوهر به جرایم خلاف شئون خانوادگی. - اعتیاد. - ترک منزل توسط زوج. - محکومیت قطعی ۵ سال یا بالاتر. - عقیم بودن. - مفقود الاثر شدن مرد. - حق زن در ترک منزل شوهر در صورت خوف از ضرر جسمی، مالی یا شرافتی براساس ماده ی ۱۱۵ قانون مدنی گاهی اوقات حق دارد که بدون اجازه ی شوهر منزل را ترک کند. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۶۷۶) - حق زن در استفاده از حق حبس: برابر ماده ی ۱۰۸۵ قانون مدنی از انجام وظایف زناشویی خودداری کند. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۶۶۴) - حق زن در جهیزیه، طبق ماده ی ۱۱۱۸ قانون مدنی، استقلال مالی زن به رسمیت شناخته شده و جهیزیه جزء اموال زن است و زن اختیار دارد که با جهیزیه ی خود هر طور که می پسندد رفتار کند. بنابراین از نظر حقوقی زن اجباری در تهیه و بردن جهیزیه به خانه شوهر ندارد و شوهر پس از ازدواج مالک جهیزیه نمی شود بلکه به طور متعارف می تواند از این وسایل استفاده کند و از منافع آن بهره مند شود. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۶۸۶) - اجرت المثل: اجرت المثل بر اساس ماده ی ۳۲۶ قانون مدنی مطرح شده است. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶) در این قانون آمده: «هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به انجام کاری کند مستحق اجرت خواهد بود و این امر اعم از امر کردن، دستور دادن و درخواست کردن کارهایی است که زوجه به درخواست مرد انجام می دهد و مستحق اجرت خواهد بود.» (امامی، ۱۳۹۷، ص ۷۰۲)

۲- سند ۲۰۳۰

بدون شک پیشینه دور ۲۰۳۰ به آغاز دوره تجدد و شکل گیری آن بر می گردد. (آشتیانی، ۱۳۹۲: شماره ۱۴، ص ۷۲) همگان براین باور بودند که هیچکس را یارای مقاومت در مقابل وسوسه مدرنیته و جهان مدرن نخواهد بود. از حدود دهه ۴۰ تا ۵۰ قرن بیستم به بعد، مسئله توسعه و نظریه پردازی آن طرح گردید. اما در همان دهه، رفته رفته مشخص گردید که بخشی از جهان به سمت مقرر و مورد نظر غرب به لحاظ تاریخی، حرکت نمی کند. در صورتی که فرض بر آن بود که جهان سوم، سنتها و فرهنگ خود را رها نموده و به سمت مورد نظر غرب برود وساختارهای اجتماعی شبیه به غرب را به خود بگیرد، اما در عمل آن اتفاق نیفتاد. در این زمان برای اولین بار، مفهوم توسعه و

مفهوم کشورهای عقب مانده، به وسیله ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا ابداع گردید. (کچویان، ۱۳۹۰: ص ۲۵) تحت تأثیر چنین دیدگاهی وبا محوریت ایالات متحده دو طرح در جهان اجرایی شد. نخستین آن طرح مارشال بود. این طرح به عنوان یکی از موفق ترین پروژه های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با عنوان کمک به کشورهای صدمه دیده از جنگ مطرح شد. طرح مارشال در دهه ۱۹۶۰ با انگیزه هایی سیاسی - اقتصادی طرح گردیده و اهدافی مانند: افزایش کارایی و عدالت، فقرزدایی، حقوق بشر را در خود داشت، البته در نهایت طرح به ابزاری جهت استثمار کشورهای جهان سوم و گسترش فقر و عقب ماندگی بدل شد که در جای خود باید مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد. (باقرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۸) و دومین طرح، همین طرح "دگرگون ساختن جهان ما، دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه ی پایدار" می باشد. جهت پاسخ به چستی سند ۲۰۳۰، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، متن زیر را در شرح سند ۲۰۳۰ ارائه کرده است که بیان آن مفید فایده خواهد بود: "رؤسای دولت ها، نمایندگان بلندپایه ی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی (آرمان) و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه ی بین المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می کند." (پیروznیک، ۱۳۹۶: ص ۸-۹). در واقع این سند، از پروژه های سازمان ملل متحد جهت هماهنگی و یکسان سازی فرهنگ ها و جهانی کردن ملل تحت عنوان "توسعه پایدار" با داشتن اهداف اصلی و فرعی، به پیشنهاد کشور آمریکا، به یونسکو ارائه شد.

۲-۱-۲ حقوق زنان در سند ۲۰۳۰

با دقت در اهداف چهارم، پنجم و هشتم، از این سند به روشنی در می یابیم: عباراتی مانند: "حق آموزش برابر" موضوع هدف چهارم، "دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران" یا "ریشه کنی نابرابری های جنسیتی" یا "تساوی جنسیتی" موضوع هدف پنجم و "اشتغال شرافتمندانه و برابر" موضوع هدف هشتم (پیروznیک، ۱۳۹۶: ص ۸-۹). در متن و توضیحات اهداف سند ۲۰۳۰ دقیقاً به مسئله ی حقوق زنان و ابعاد مختلف آن پرداخته است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

۲-۱-۱-۱ حق آموزش در سند ۲۰۳۰

با بررسی هدف چهارم از این سند که بیان می کند: "تضمین کیفیت آموزش فراگیر وعادلانه و ایجاد فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه" در توضیح حق آموزش، چنین گفته شده است: حق آموزش یا حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه ای می باشد. این حق می تواند مبنای همه حقوق باشد (قاری، سید فاطمی، ۱۳۸۸: ص ۳۰۵). چرا که بر خلاف دنیای قدیم امروزه خانواده به تنهایی قادر نیست تمام آموزش های لازم را به فرزندان خود منتقل کند. زیرا زندگی معمولی درجهان امروز مهارت هایی را نیاز دارد که انتقال آن ها به فرزندان از توانایی خانواده خارج است. بدین علت ضرورت تأکید بر این حق اهمیت می یابد. حال منظور از حق آموزش در اهداف سند ۲۰۳۰ که در واقع "تغییر نظام آموزشی کشورها و یکسان و همانندسازی آن با علایق و خطوط فکری و فرهنگی یکسان غربی، مد نظر تئورسین های تعلیم و تربیت غرب و نظام جهانی می باشد، است. (مصفا، ۱۳۹۵: ص ۸۶) یکی از آن بخش ها، این بخش از اهداف سند بیان می دارد که "باید برای مردمان خود فارغ از جنسیت، قومیت، سن و هرگونه تفاوت و تبعیض جهت امکانات مساوی، باکیفیت بالا و مادام العمر تحصیل فراهم کنند" (پیروژنیک، ۱۳۹۶: ص ۸-۹). به تعبیر دیگر از مهم ترین اهداف این بخش از سند همانطور که بیان شد، توانمند سازی همه زنان و دختران می باشد؛ که حق آموزش و تحصیل و برخورداری از فرصت های برابر (تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران) را برای آنان در نظر داشته است.

۲-۱-۲- تساوی جنسیتی در سند ۲۰۳۰

واژه "Gender" یا همان "جنسیت" ۵ بار در متن سند ۲۰۳۰ تکرار شده که در بیشتر موارد در این سند به وضوح فقط به زن و مرد اشاره می کند. اما این کلمه می تواند، حقوق افراد تراجنسیتی و دیگر آرمان های بحث برانگیز را نیز بر اساس اینکه این لغت چگونه تفسیر و مورد استفاده قرار می گیرد، در درون خود داشته باشد. (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ص ۶۴) اغلب به جای "Sex" استفاده می شود تا جنسیت های مختلف شناخته شوند. اگر چه کشورهای توسعه یافته و ادارات سازمان ملل که همواره در راستای پیشبرد حقوق مردان و زنان همجنس باز، دو جنس گراها و افراد تراجنسیتی تلاش می کنند، لغت "Gender" که در این برنامه آمده است را طوری تفسیر می کنند تا بتوانند حقوق تراجنسیتی و جنسیت های مختلف مانند هر کدام از ۵۰ نوع جنسیت به

رسمیت شناخته شده توسط فیس بوک را به پیش برده و ترویج کنند. واژه "تساوی جنسیتی" Gender equality نیز ۸ بار در سرتاسر سند ۲۰۳۰ مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مسئله دارترین اشارات به کلمه "Gender" در برنامه ۲۰۳۰، هدف ۱۷ می باشد که خواستار "دسترسی به داده ها و اطلاعات به موقع و موثق در حوزه های مختلف مانند: ... جنسیت ..." است. در طول مذاکرات آرمان های توسعه پایدار، پیشنهادات مبنی بر جایگزینی "Gender" با "Sex" در این هدف، شدیداً از طرف کشورهای که بیشترین فعالیت را در زمینه ترویج حقوق زنان و مردان همجنس گرا، دوجنس گراها و تراجنسیتی ها دارند، رد شد. (همان، ۱۹۹۹). نهایت اینکه آنچه در این پژوهش بصورت اختصاصی مورد مذاقه قرار گرفته دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران موضوع هدف پنجم است که البته زیربنای تمامی اهداف ۱۷ گانه ی سند نیز می باشد.

۲-۱-۳- حق اشتغال در سند ۲۰۳۰

سومین کلید واژه در این پژوهش که از اهمیت فراوانی در جهان و سند ۲۰۳۰ در رابطه با حقوق زنان وجود دارد، واژه "اشتغال" است. در زبان فارسی به معنای "به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به کاری سرگرم شدن"، (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲: ص ۲۲۲۶). پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری است (معین، ۱۳۷۱: ج ۱: ص ۲۴۳) در اصطلاح کار می تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می سازد. (گیدنز، ۱۳۸۷: ص ۵۱۷). (فرهنگ، ۱۳۶۶: ص ۶۵۲). کار یکی از عوامل تولید که در بر گیرنده تمامی فعالیت های اقتصادی انسان اعم از فکری، یدی، تخصصی و غیر تخصصی برای تولید ثروت می شود (مریدی، نوروزی، ۱۳۷۳: ص ۵۷۴). آنچه مراد و منظور بحث ما در این پژوهش است فراز پایانی از هدف ۸ سند ۲۰۳۰ است که بیان می دارد ... "اشتغال شرافتمندانه برای همه" البته با این توضیح که این اشتغال جهت "ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره ور" می باشد. منظور از "اشتغال شرافتمندانه برای همه"، اشتغال شرافتمندانه برای همه ی زنان و مردان می باشد. البته با نگاه اجمالی به اهداف ۱۷ گانه این اطلاق را در اکثر اهداف می توان به راحتی استنباط و مشاهده نمود. مقصود از "زنان" به طور مشخص جنس مؤنث در مقابل جنس مذکر است و شامل سه گروه خاص می شود: زنان متأهل، زنان سرپرست خانواده و زنان مجرد. در این پژوهش اشتغال زنان شامل هر سه

گروه می شود. حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان از جمله دستاویزهای مهم اسناد بین المللی است، که جامعه جهانی به دنبال آن هستند. در واقع آنچه این اسناد به دنبال آن هستند، اشتغال زنان است که مهم ترین دلیل برای حضور اجتماعی و سیاسی، و بلکه تنهاترین راه حل فقر زنان و کم کردن وابستگی آنان به مردان و خانواده به حساب می آید. متأسفانه روابط و مناسبات اجتماعی فعلی آنچنان در عرف جوامع اثرگذار بوده اند که نه تنها زنان، بلکه مردان نیز اشتغال را برای زنان، یک وظیفه به حساب می آورند. حال اگر این مسئله را در کنار نیاز طبیعی فرزند به مادر قرار دهیم، انجام هر دو، تکلیف بسیار شکننده ای خواهد بود. در بند ۵ سند ۲۰۳۰، فرصت های برابر آموزشی به منزله ایجاد مدارس مختلط وجود دارد و بدون در نظر گرفتن تفاوت های تکوینی و موقعیت ها و مسئولیت ها، فقط یک بعد از وجود زن، آن هم بعد شاغل بودن او در نظر گرفته شده است. این اسناد، احکام و قوانین اقتصادی اسلام را همچون ارث، تبعیض آشکار بین زن و مرد و ناقض حقوق زنان دانسته اند، مانند مواد ۱، ۲ و ۱۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان. تأکید اسناد بین المللی بر تساوی حقوق زن و مرد و فعالیت های بیرون از خانواده زنان و عدم توجه به اصول و ضوابط اصلی این حضور ضابطه مند، باعث شده زنان در بیماری های قلبی، جرایم، دخیلیات و غیره نیز فاصله خود را با مردان کم کرده و در این سطح هم به مساوات برسند.

۳- حقوق زنان در قبل از انقلاب اسلامی ایران

در دوره ی سلطنت «رضاشاه»، زنان حق شرکت در خیلی از مناسبات اجتماعی را نداشتند که مصداق بارز آن حق رای بود. در دوره ی سلطنت محمدرضا پهلوی نیز قانون انتخابات تا سال ۱۳۴۱ش معتبر بود و تا آن سال، زنان از حضور در انتخابات محروم بودند. هر چند زنان از سال ۱۳۴۱ حق شرکت در انتخابات و همچنین انتخاب شدن برای مجلس شورای ملی و سنا را به دست آوردند، اما این امر، تنها باعث شد که برخی از زنان طبقات بالا و خاص جامعه به برخی مناصب و پست های سیاسی دست یابند. رژیم پهلوی علاوه بر اینکه به حق رأی زنان اهمیتی نمی داد؛ بلکه این رژیم تنها به زنانی اجازه ی حضور در مجلس می داد که با سیاست های حاکم انطباق کامل داشتند، یا به دلیل ارتباط با دربار و یا با سفارش یکی از درباریان وارد سیاست می شدند. در دوره ی سلطنت «رضاشاه»، زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند، زیرا ماده ی ۱۵ قانون انتخابات، زنان را در کنار کسانی که به سن قانونی نرسیده اند یا منع قانونی دارند و تحت حضانت دیگران می باشند، همچنین

ورشکستگان به تقصیر، محجورین، متکدیان حرفه‌ای، محکومین دادگستری، دزدان و دیگر خلافکاران ناقض قانون اسلام، از حق رأی محروم نموده بود. با وجود این، برخی از نویسندگان غربی کوشیده‌اند این‌گونه وانمود سازند که در دوره‌ی رضاخان حضور روزافزون زنان در فعالیت‌های ملی باعث شد با وجود اینکه فاقد حق رأی بودند، به تدریج احترام خاصی را در مقام اعضای جامعه کسب کنند (ام آبتون، ۱۳۶۱: ص ۲۱۲). اما بعضی صاحب‌نظران به دلیل اینکه اعمال آزاردهنده و شبه مدرنیستی یک مستبد و معدودی متعصب بی‌ریشه را - که سبب خانه‌نشینی و سلب آزادی‌های اولیه بخش عظیمی از زنان ایران شد - در تعارض با ادعای دموکراسی دیده‌اند، این‌گونه به توجیه این عمل پرداخته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ص ۱۷۳) «در این تلاش ملی (قصد رضاخان برای توسعه) همیاری و شرکت زنان نیز ضروری می‌نمود که فقط در صورتی این کار میسر می‌شد که آنان را از قید و بند بعضی از مسائل سنتی نظیر حجاب، رهایی بخشند (ام آبتون، ۱۳۶۱: ص ۸۹) با این حال حتی این‌گونه نویسندگان غربی نیز که برخی از اقدامات رضاشاه را به حساب پیشرفت زنان گذاشته‌اند، اذعان نموده‌اند که این پیشرفت‌ها بیشتر زنان طبقه‌ی بالا و متوسط را در برمی‌گرفت (مخبر، ۱۳۷۱: ص ۴۳) صد البته هنگامی که معدودی از زنان طبقات بالا براساس الگوی توسعه‌ی غربی به پیشرفت دست می‌یافتند، بسیاری از زنان مسلمان یا محبوس در کنج خانه‌ها، محروم از ابتدایی‌ترین حقوق خود بودند، یا در معابر با قزاق‌ها دست به گریبان بودند. پس از سقوط رضا پهلوی، در دوره‌ی سلطنت محمدرضا پهلوی نیز قانون انتخابات تا سال ۱۳۴۱ ش معتبر بود و تا آن سال، زنان از حضور در انتخابات محروم بودند. در واقع رژیم پهلوی، همواره سعی می‌نمود از زنان به صورت نمادی از نوگرایی استفاده نماید (مصفا، ۱۳۷۵: ص ۱۱۱). رضاشاه از کشف حجاب زنان برای همین منظور بهره می‌جست و محمدرضا نیز بدون اعطای حق مشارکت سیاسی به زنان نمی‌توانست از آنان بهره‌برداری سیاسی نماید. از این رو هر چند زنان از سال ۱۳۴۱ حق شرکت در انتخابات و همچنین انتخاب شدن برای مجلس شورای ملی و سنا را به دست آوردند، اما این امر، تنها باعث شد که برخی از زنان طبقات بالا و خاص جامعه به برخی مناصب و پست‌های سیاسی دست یابند و رژیم نیز از حضور همین تعداد زن در مقام‌های سیاسی، فرصت مناسبی برای تبلیغات عوام فریبانه و ادعای برابری حقوق زن و مرد، به دست آورد؛ ولی منظور اصلی اعطای حق رأی به زنان، که فراهم ساختن بستر مناسب برای مشارکت عموم زنان است، هیچ‌گاه برآورده نشد و می‌توان گفت: «مشارکت در سطح توده (زنان) هیچ‌گاه به معنای واقعی اتفاق نیفتاد (مصفا، ۱۳۷۵: ص ۱۱۱).

به تدریج بر اثر افشاگری‌های متعدد، ماهیت نهانی این ترفند حکومت آشکار گردید به گونه‌ای که این اقدام رژیم برای تحلیل‌گران خارجی نیز قابل قبول نبود. «فرد هالیدی» که در سال‌های آخر رژیم پهلوی، مطالعات گسترده‌ای را در ایران انجام داده است، در این باره به این نتیجه رسیده بود که: «اعطای حق رأی به زنان و ایجاد شوراهای روستایی- محلی در کشوری که دولت با زندگی سیاسی مردم بازی می‌کند هیچ ارزش و نتیجه‌ی عملی ندارد. (هالیدی، ۱۳۵۸: ص ۵۲). همچنین یکی از کارمندان زن دفتر مخصوص فرح نیز در خاطرات خود می‌نویسد: «موقعی که می‌شنیدم ما در کشور از آزادی حق رأی برای انتخاب وکلای مجلس برخورداریم و یا می‌گفتند زنان با استفاده از آزادی اعطا شده، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، بلافاصله این سؤال به ذهنم می‌آمد که اصولاً وقتی ساواک همه‌ی نمایندگان مجلس را برمی‌گزیند، چگونه امکان دارد کسی مسئله‌ی وجود آزادی حق رأی را باور داشته باشد؟» (صمیمی، ۱۳۷۳: ص ۵۲)

۳-۱- حضور زنان در مناصب مدیریتی جامعه

همانطور که ذکر شد در دوره‌ی سلطنت «رضاشاه» هیچ زنی را نمی‌توان یافت که دارای منصب سیاسی باشد و در دوره‌ی حکومت محمدرضا نیز تا ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۲- که برای نخستین بار در تاریخ امور اداری ایران «فرخ رو پارسا» به سمت معاونت وزارت آموزش و پرورش منصوب شد (بهنود، ۱۳۶۹: ص ۲۲۴) و چند سال بعد نیز در ۷ شهریور ۱۳۴۷ نخستین وزیر زن ایران گردید- (کرباسچی، ۱۳۷۱: ص ۳۴۴) نمی‌توان از حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه نشانی یافت؛ اما پس از آن تاریخ، زنان کم و بیش برخی از مناصب مدیریتی جامعه را بر عهده گرفتند، هر چند که برخی از این مناصب را نمی‌توان جزء مقام‌های سیاسی به مفهوم خاص آن محسوب نمود؛ از جمله: انتخاب نخستین زن به ریاست فدراسیون شنا در سال ۱۳۴۵ و انتصاب پنج زن به منصب قضاوت در خرداد ۱۳۴۸ بود. (کرباسچی، ۱۳۷۱: ص ۳۴۴) بدیهی است بررسی این گونه پست‌ها و مقام‌ها تعداد قابل توجهی از زنان را معرفی خواهد کرد؛ اما نقش و اهمیت آنان به گونه‌ای نیست که بتوان آن را حضور سیاسی زنان در مناصب و پست‌های مدیریتی محسوب کرد؛ به‌ویژه آنکه دو زن برجسته‌ی دوران سلطنت محمدرضا شاه یعنی اشرف و فرح با تصدی برخی از سازمان‌ها و مؤسسات عمدتاً برخی از زنان را نیز پیرامون خود جمع می‌کردند. در مجموع در عصر پهلوی حضور مهم و قابل توجه زنان را در مناصب و پست‌های سیاسی در چند زمینه می‌توان تقسیم کرد:

-نیابت سلطنت فرح پهلوی : در سال ۱۳۴۶ ش، در پی سوءقصدی نافرجام به محمدرضا . (زونیس، ۱۳۷۱ : ص ۲۸۰) -وزارت : در دوران سلطنت محمدرضا تنها یک زن به مقام وزارت نایل آمد که «فرخ‌رو پارسا» بود و در کابینه‌ی هویدا وزیر آموزش و پرورش گردید. زن دیگری که در کابینه‌ی هویدا از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ و سپس در کابینه‌ی آموزگار در سال ۱۳۵۷ حضور داشت، مهناز افخمی بود که در هر دو کابینه مشاور امور زنان بود. (مسعود بهنود، ۱۳۶۹: ص ۷۱۲). -نماینده‌ی مجلس: اولین گروه زنان در انتخابات سال ۱۳۴۲ به صورت کاندیداهای «کنگره‌ی آزاد زنان و آزاد مردان» به مجلس راه پیدا کردند (طلوعی، ۱۳۷۲: ص ۶۷۰) در واقع رژیم تنها به زنانی اجازه‌ی حضور در مجلس می‌داد که با سیاست‌های حاکم انطباق کامل داشتند، به همین دلیل از مجموع سی و پنج نماینده‌ی زنی که در چهار دوره‌ی آخر مجلس شورای ملی حاضر بودند و همچنین از پنج زنی که در چهار دوره‌ی آخر مجلس سنا به مقام سناتوری دست یافتند، بیشترشان از همسران یا بستگان نزدیک رجال و متنفذین یا امرای ارتش بودند (طلوعی، ۱۳۷۲: ص ۶۷۰) یا زنان فاسدی بودند که به دلیل ارتباط با دربار با سفارش یکی از درباریان به مجلس راه می‌یافتند؛ البته فعالیت‌های این زنان هم باید همسو با سیاست‌های رژیم می‌بود. -مقام سفارت : مورد دیگری نیز که می‌توان آن را از مصادیق حضور زنان در مدیریت سیاسی جامعه دانست انتخاب خانمی به مقام سفیر می‌باشد. مهرانگیز دولتشاهی پس از سه دوره نمایندگی مجلس، در سال‌های آخر سلطنت محمدرضا به عنوان سفیر ایران در دانمارک انتخاب گردید. (طلوعی، ۱۳۷۲: ص ۶۷۰). انتصاب زنان به مقام‌های سیاسی نیز بیشتر به دلیل روابط آنان با دربار و سیاستمداران بود و بیشتر آنان به دلیل وابستگی به یکی از افراد متنفذ کشور و به‌ویژه درباریان، به این مقام‌ها نایل می‌شدند. برای مثال پس از جدایی غلامرضا پهلوی از زنش، وی با زنی به نام منیژه جهانبانی ازدواج کرد. پدر زن جدید غلامرضا تا مدتی رییس پلیس راه‌آهن بود و پس از آن به مقام سناتوری رسید و مادر زن غلامرضا نیز نماینده‌ی شیراز در مجلس گردید. (فردوست، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۶۰) طبیعی بود زنانی هم که به این ترتیب و به دلیل ارتباط با رجال سرشناس به مقام‌های سیاسی دست می‌یافتند، غالباً سعی می‌کردند در چپاول و فساد از مردان عقب نمانند. در نتیجه آنان هم درگیر برخی اقدامات و برنامه‌ها می‌شدند از جمله «فرخ‌رو پارسا» در مقام نخستین و تنها وزیر زن ایرانی که وزارتخانه‌ی مهمی را هم در دست داشت، پس از کسب قدرت به مرور راه‌هایی یافت تا از معاملات ساختمانی و همچنین تأسیس مدارس خصوصی بهره‌برداری‌های مادی، چشمگیری کند. (مسعود بهنود، ۱۳۶۹ : ص ۵۷۹)

۴- حقوق زنان بعد از انقلاب اسلامی ایران

مسیری را که پهلوی‌ها برای توسعه و نوسازی ایران پذیرفته بودند، الگوی ناقصی از غرب بود که تنها در ظواهر تمدن غرب متوقف می‌ماند. بنابر این الگویی از زن معرفی می‌گردید که نه کاملاً الهام گرفته از غرب بود و نه نسبتی با جامعه و زنان ایرانی داشت. الگوی تبلیغی رژیم شاه در میان توده‌ی مردم جایگاهی نداشت؛ زیرا حتی الگوی کامل زن غربی که از محسنات قابل توجهی هم برخوردار بود، برای جامعه‌ی مذهبی ایران بیگانه بود و مورد پذیرش اکثریت مردم نبود، تا چه رسد به الگوی ناقصی که رژیم معرفی می‌کرد. با این حال، رژیم پهلوی، همواره این الگو را حمایت و تبلیغ می‌کرد. (پهلوی، ۱۳۷۶: ص ۷۱) این الگو که تأکید عمده‌ی آن بر ظواهر تمدن غربی بود، در درون کشور با مانعی جدی مواجه بود و آن تعالیم دین اسلام بود که نقاط افتراق فراوانی با زن مطلوب الگوی مذکور داشت. به همین سبب از همان آغاز، تعارضی جدی میان آن و مذهب به وجود آمد که اوج آن واقعه‌ی کشف حجاب بود. کشف حجاب اجباری، هر چند ستم‌ها و رنج‌های فراوانی را برای زنان و حتی مردان ایرانی به همراه آورد، ولی در نهایت، برخلاف تمامی آن سختی‌ها و رنج‌ها و در عین حال فشارها به سامان نرسید و عقیم ماند. با وجود این، رژیم پهلوی همواره سیاست ضد‌مذهبی خود را حفظ نمود و با شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم، همواره تلاش کرد تا با مذهب مقابله نماید؛ برای مثال، درباره‌ی جایگزین ساختن کلاه‌نمدی اروپایی به جای کلاه پهلوی در سال ۱۳۱۵ چنین گفته شده است که رضاشاه این کلاه را نه تنها با هدف ریشه‌کن کردن هویت‌های قومی بلکه عمدتاً به این دلیل انجام داد که با نمازگزاران مسلمان که هنگام نماز مجبور به سجده بودند، به نوعی مقابله کرده باشد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ص ۱۷۸). اما دیدگاهی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره حضور زنان در عرصه اجتماع رواج یافت، دارای دو ویژگی اساسی بود: نخست اینکه تقریباً تمایزی بین زنان و مردان برای حضور اجتماعی قائل نبود و امکان حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی را همان‌گونه که حق مردان می‌دانست، حق زنان نیز به شمار می‌آورد. ویژگی دوم این دیدگاه، خصلت مذهبی آن و پایبندی آن به تعالیم اسلامی بود. تغییر دیدگاه رایج درباره‌ی حقوق اجتماعی زنان و حضور آنان در اجتماع پس از پیروزی انقلاب اسلامی باعث ایجاد تحولی گسترده در زمینه‌ی حضور اجتماعی زنان گردید.

۴-۱- تحولات ایجاد شده در زمینه حقوق اجتماعی زنان بعد از انقلاب

ظاهرگرایی چنان اندیشه و ذهن برخی از مهره‌های اصلی رژیم پهلوی به‌ویژه زنان پرنفوذی همانند اشرف را به خود معطوف ساخته بود، که در اوج انقلاب به جای تعمق در علت رفتار اعتراض‌آمیز توده‌ی مردم، به‌خصوص زنان و تأمل در حضور فعال آنان در قیام ملت، همچنان تأسف اصلاحات ظاهری را می‌خوردند. (شوکراس، ۱۳۶۹:ص ۲۴۲). (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷:ص ۵۰۸) این تاسف و پشیمانی‌ها حتی اگر واقعی بوده باشد، چنان دیر هنگام صورت گرفت که دیگر سودی نداشت و با پیروزی انقلاب اسلامی، دیدگاه جدیدی بر جامعه‌ی ایران حاکم شده بود که مهم‌ترین وجه آن، تکیه بر تعالیم دین اسلام و احساس اعتماد به نفس در برابر غرب بود. (فنائی اشکوری، ۱۳۷۷: ص ۵۳) رهبر فقید انقلاب (ره) در پاسخ به سؤالی درباره‌ی خصایص جنبش مردم ایران علیه شاه، فرمودند: «اولین و مهم‌ترین خصیصه‌ی این نهضت اینکه اسلامی است و با شعارها و اهداف اسلامی که مبین خواسته‌های مستضعفین امت است، همراه می‌باشد. دومین خصیصه‌ی آن، این است که نهضتی است بدون هیچ‌گونه وابستگی به خارج.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۳ ص ۴۱۸) در پرتو این دیدگاه، زن ایرانی هم توانست الگو و جایگاه درست و واقعی خود را بازیابد. بیان امام خمینی (ره) در مقام بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه اسلام، زن را مثل مرد در همه شئون دخالت داده است و همان‌گونه که مردان در همه شئون دخالت دارند، زنان هم باید دخالت نمایند (موسوی خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۳) به خوبی این معنا را نشان می‌دهد. نکته‌ی قابل تأمل در این زمینه این است که پس از انقلاب اسلامی، به حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف جامعه‌ی اسلامی نه تنها به صورت حق زنان توجه و تأکید می‌شد، بلکه از زاویه‌ای دیگر به صورت تکلیف نیز در نظر گرفته می‌شد و با توجه به مسئولیت تمامی افراد جامعه در حفظ و حراست از نظام اسلامی چون تکلیفی شرعی، زنان نیز در بجا آوردن این تکلیف همانند مردان محسوب می‌گردیدند. به همین سبب بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، همواره تأکید می‌نمودند: «مرد و زن این کشور، همه پاسدار اسلام هستند.» (موسوی خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۳) «مسئله، مسئله‌ی یک حکومت نیست... مسئله‌ی اسلام است، مسئله‌ی اسلام یعنی بر زن و مرد این کشور واجب است که دفاع کنند» زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. (موسوی خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۳) حضور اجتماعی زنان بعد از انقلاب با توجه به ضوابط و مقررات خاص برگرفته از اسلام تعریف می‌شد. زنان در عین حضور در اجتماع، موظف به رعایت حریم‌های خاصی به‌ویژه در ارتباط با مردان بودند. مهم‌ترین وجه بارز آن هم رعایت حجاب و پوشش اسلامی بود و از زنان

مسلمان جامعه نیز چنین انتظار میرفت که نشان دهند حجاب با زندگی اجتماعی منافاتی ندارد. امام خمینی (ره) با اشاره به این موضوع تأکید داشتند: «خداوند همان‌طور که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زنها هم دارد. همه برای صلاح شماسست. همه‌ی قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است». (موسوی خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۳). در واقع چنین استدلال می‌شد که این حریم‌ها که به ظاهر ممکن است در مواردی چون محدودیت جلوه نماید، تنها برای حفظ کرامت و شخصیت متعالی زن و ایجاد بستری مناسب برای تحقق اصلی‌ترین نقش زنان یعنی نقش تربیتی آنان در پرورش نسل آینده است. (موسوی خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۳) تغییر دیدگاه رایج درباره‌ی حقوق اجتماعی زنان و حضور آنان در اجتماع پس از پیروزی انقلاب اسلامی باعث ایجاد تحولی گسترده در زمینه‌ی حضور اجتماعی زنان گردید؛ تحولی که تا به امروز ادامه داشت، و روند شتاب‌زده‌ای نیز، به خود گرفته است.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت رویکرد انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های فقهی و دینی و همچنین حقوق موضوعه ایران و قوانین بالادستی در مسائل زنان، به قدری جامع و کامل است که هیچ گونه نیازی به اجرایی شدن اسناد بین المللی خصوصاً سند ۲۰۳۰ که نواقص آن هم مشهود است، در کشور نداریم. و به این سبب فرضیه‌ی پژوهش ما با توجه به یافته‌ها به اثبات رسید و آنچه اهداف چهارم و پنجم و هشتم سند ۲۰۳۰ به دنبال آن بود که عبارت اند از حق آموزش برابر زنان، عدالت جنسیتی و اشتغال برابر به این نتیجه رسیدیم که: الف) با توجه به جایگاه رفیع علم و دانش در فرهنگ غنی اسلامی، در فقه و حقوق ایران و اسناد بالادستی مدون شده، حق بر آموزش زنان و دختران بصورت همه جانبه در نظر گرفته شده و در این زمینه هیچ کمبود و نقصی به نظر نمی‌رسد. ب) در مورد تساوی و برابری جنسیتی زنان با مردان آنگونه که در سند ۲۰۳۰ ذکر شده به این نتیجه رسیدیم که نگاه فقه و حقوق اسلامی براساس آیات کریمه‌ی قرآن بر عدالت جنسیتی استوار است نه بر تساوی جنسیتی که در سند ۲۰۳۰ ذکر شده است. ج) و اما در زمینه اشتغال زنان بر اساس هدف هشتم سند ۲۰۳۰، در کشور ما بر اساس قوانین موجود نه تنها مانعی جهت اشتغال زنان ایجاد نمی‌گردد بلکه زنان با توجه به جایگاه و منزلت ویژه خود در اجتماع حاضر و به انجام مسئولیتهای مختلف و متنوع مشغول می‌باشند و قوانین مختلف حقوقی

نیز شمول و محدوده ی فعالیت زنان در کنار مردان را مشخص نموده اند و در این راستا نیز نیازی به اسناد بین المللی خصوصاً سند ۲۰۳۰ نداریم . مقایسه سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در انقلاب اسلامی و آموزه های اسلامی به ما این پیام را می دهد که اجرای سند هدف دار ۲۰۳۰ ، عمل کامل به فرهنگ غربی و چیرگی آن بر فرهنگ ما، تعهدپذیری در قبال حقوق بشر سکولاری، نادیده گرفتن تفاوت های جنسیتی ، برابری جنسیتی و حذف موانع آموزش جامع جنسیتی، کنارگذاشتن ارزش های فرهنگی، دینی و آرمان های کبیر انقلاب اسلامی و پذیرش رسمی نفوذ غرب در نظام اسلامی است. در ضمن با توجه به یافته ها در این پژوهش می توان نتیجه گرفت که : قرآن کریم در مقام ترسیم و تعیین تکالیف و حقوق زن و مرد، برای زن، همانند مرد در دو ساحت ارتباطی خانوادگی و اجتماعی، به عنوان یک عامل فعال و سازنده به تناسب موقعیت و کارکرد خویش و نیز به تناسب شرایط، مسئولیت و حقوقی را تعیین کرده که بنابر مقتضای عقلانیت و عدالت، تناسب حقوق میان زن و مرد است؛ یعنی زن همچون مرد دارای تساوی در انسانیت است. و همچنین به این نتیجه رسیده ایم که : تساوی زن و مرد در انسانیت ، به معنای تساوی در حقوق نخواهد بود. آیات متعدد قرآن کریم که در این پژوهش به آنها اشاره نمودیم ، بیان می دارند که جنس زن برای انجام وظایف متفاوتی نسبت به مرد آفریده شده است و در نتیجه احساسات متفاوتی دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱-آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه: احمد گل محمدی و دیگران، تهران: نشر نی.

۲-امامی، سیدحسن (۱۳۹۷). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی . قم : کتابفروشی اسلامیه. چاپ

۵۵

۳-ام آبتون، جوزف . (۱۳۶۱). نگرشی بر تاریخ ایران نوین. مترجم : یعقوب آرژند . تهران : نیلوفر،

چاپ دوم

۴-آشتیانی، جلال الدین (۱۳۸۹). تحقیقی در دین مسیح . تهران : نشر نگارش.

۵-آشتیانی، منوچهر (۱۳۹۲). " پیشرفت، توقف ناپذیری، غیرقابل برگشت بودن ". سوره اندیشه،

شماره ۱۴. ص ۷۲.

- ۶- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). "عدالت جنسیتی و اشتغال زنان". مجله مطالعات کاربردی زنان، کتاب زنان، شماره ۴۶.
- ۷- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۸). "نیم نگاهی به حقوق زن در اسلام، نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان"، فصلنامه معرفت. شماره ۷.
- ۸- مسعود بهنود. (۱۳۶۹). از سیدضیاء تا بختیار، تهران: بدرقه جاویدان.
- ۹- پاک نژاد، سید رضا. (۱۳۹۳). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر. یزد: بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد.
- ۱۰- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۲۴). نهج الفصاحه. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- ۱۱- پهلوی، اشرف. (۱۳۷۶). من و برادرم، تهران: نشر علم.
- ۱۲- پیروزی، مهرناز. (۱۳۹۶). سند سازمان ملل متحد دگرگون ساختن جهان ما دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار. تهران: صندوق کودکان ملل متحد در ایران و دفتر منطقه ای یونسکو.
- ۱۳- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۹۳). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، "تبیان".
- ۱۴- جاوید، محمدجواد. (۱۳۸۹). "از فرهنگ چندمتری تا حقوق چندمتری". تهران: فصلنامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). دوره ۲. شماره اول.
- ۱۵- حاجی قهرمانی، لایلا و همکاران. (۱۳۹۹). "تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین سال های (۱۳۵۷-۱۳۸۴)"، تغییرات اجتماعی-فرهنگی، شماره ۶۵، از ص ۲۵ تا ص ۴۲.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۲). لغت نامه. تهران: چاپ خانه مجلس.
- ۱۷- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۴۰۱). کتاب تاریخ تمدن. مترجم: مجموعه نویسندگان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸- زونیس ماروین. (۱۳۷۱). شکست شاهانه، ترجمه ی اسمعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نور.
- ۱۹- شکیباف، ابوالفضل. (۱۴۰۲). "حقوق زنان در اسلام: تحصیلی، مالی و برابری جنسیتی"، مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، شماره ۱۷، ص ۱۴ تا ص ۲۲.
- ۲۰- شوکراس، ویلیام. (۱۳۶۹). آخرین سفر شاه، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.

- ۲۱- صدوق، شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۳۴۳). من لا یحضره الفقیه . مترجم سید حسن خراسانی . قم : دفتر انتشارات اسلامی . چاپ پنجم .
- ۲۲- صفایی، حسن . (۱۳۷۸). حقوق خانواده ، قم : دادگستر .
- ۲۳- صمیمی، مینو (۱۳۷۳). پشت پرده‌ی تخت طاووس، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
- ۲۴- طباطبائی، علامه محمدحسین. (۱۳۵۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جماعه‌المدرسین حوزه العلمیه .
- ۲۵- طلوعی، محمود . (۱۳۷۲). بازیگران عصر پهلوی، ج ۲، تهران : نشر علم .
- ۲۶- فردوست، حسین. (۱۳۶۹). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران : انتشارات مؤسسه اطلاعات و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی .
- ۲۷- فنایی، محمد . (۱۳۹۱) . "منزلت زن در اندیشه اسلامی" . قم : انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی . شماره ۴.
- ۲۸- فنائی اشکوری، محمد. (۱۳۷۷). منزلت زن در اندیشه‌ی اسلامی"، قم، نشر مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۹- فنایی، کامران و بهاء‌الدین خرم شاهی. (۱۳۹۰). فرهنگ موضوعی قرآن، تهران : انتشارات ناهید . چاپ پنجم .
- ۳۰- قرائتی ، محسن . (۱۳۸۳) . تفسیر نور.. تهران : مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن . چاپ یازدهم
- ۳۱- کاتوزیان، محمد علی . (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران، ۱۳۷۳ انتشارات مرکز ، چاپ ششم .
- ۳۲- کچوئیان، حسین. (۱۳۹۰). "تبیین گفتمانی تبدیل شدن زنان به موضوع سیاست گذاری های رسمی در دوره رضاخان (با تاکید بر نظریه نژادی)" . زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹ ، شماره ۲، از ص ۷ تا ص ۳۸ .
- ۳۳- گیدنز ، آنتونی. (۱۳۸۲) . جامعه‌شناسی ، ترجمه : منوچهر صبوری، تهران : نشر نی .
- ۳۴- گروه مولفین (۱۳۹۳) . قانون مجازات اسلامی ، تهران : نگاه بوستان .
- ۳۵- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۲) . اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها. قم: نشر الهادی . چاپ ششم.
- ۳۶- مختاری پور. مرضیه (۱۳۹۱) . "بررسی مقایسه ای حقوق زنان در ادیان مختلف با دین اسلام و قانون مدنی" . ماهنامه پیام زن . سال ۲۱ شماره ۴ .

- ۳۷- مصفا ، نسرین . (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه، تهران : مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات .
- ۳۸- مصفا، نسرین. (۱۳۹۵). " نقش یونسکو در ترویج علم ". فصلنامه ترویج علم . سال اول .
- ۳۹- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). یادداشت ها . جلد ۵ . تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۰- مکارم شیرازی ، ناصر و همکاران . (۱۳۹۲). تفسیر نمونه . تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۱- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ لغات فارسی . تهران : امیرکبیر.
- ۴۲- موثقی، حسن. (۱۳۹۲). " چشم انداز حقوق زنان از نگاه سازمان ملل متحد "، زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۲ ، از ص ۱۳۵ تا ص ۱۴۶ .
- ۴۳- منصور، جهانگیر. (۱۴۰۳). قانون اساسی . تهران : چاپ دوران .
- ۴۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۷۷). "صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران "(مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات علمی .
- ۴۵- هالیدی ، فرد . (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه‌ی سرمایه‌داری در ایران، ترجمه‌ی: فضل‌الله نیک آیین، تهران : امیرکبیر .
- (ب) منابع عربی
- ۴۶- خزائلی ، محمد. (۱۳۶۱) . احکام القرآن . تهران : جاویدان .
- ۴۷- خطیب، احمد علی . (۱۹۶۶). موجز احکام المیراث، بیروت : دارالبصری .
- ۴۸- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۷) . الدر المنثور فی التفسیر الماثور . قم : موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان .
- ۴۹- صدوق ، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۳۸۵). علل الشرایع. نجف: مکتبه‌الداوری المکتبه الحیدریه.
- ۵۰-..... (۱۴۴۱). الخصال . اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه . ناشر دیجیتالی .